هادیانه

راه روشن جهاد

■ امیرالمؤمنین(ع) فرمود: الجِهادُ عِمادُ الدِّینِ، ومِنْهاجُ السُّعَداءِ / جهاد ستون دین و راه روشن نیکبختان است.

«غرر الحکم: ۱۳۴۶»

مدیرمسئول: **محمد جواد اخوان**
سردبیر: **غلامرضا صادقیان**
دبیر ویژه‌نامه: **حسین گل‌محمدی**
همکاران تحریریه: **نیره ساری، نیره محمودی، محبوبه قربانی**
چاپ: **همشهری**

کاشانه

گروه سبک زندگی
پرونده
سبک زندگی بسیجی

حجت‌الاسلام محمدرضا محمدی، مسئول دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در بسیج سازندگی و مدیر مرکز ترویج و گفتمان جهادی:

فرهنگ بسیجی مشارکت مردمی را به نیروی حل مسئله تبدیل می‌کند

نیره ساری

پنجم آذر، سالروز تشکیل بسیج مستضعفان، فرصتی برای بازخوانی نقش و جایگاه فرهنگ بسیجی در عرصه‌های مختلف اجتماعی است که فراتر از یک تشکیلات، بر پایه ایمان، ایثار، اخلاص، همدلی و مسئولیت‌پذیری شکل گرفته و جلوه‌های آن را می‌توان در فعالیت‌های جهادی، امدادرسانی به آسیب‌دیدگان حوادث طبیعی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و مشارکت داوطلبانه مردم در حل مسائل جامعه مشاهده کرد. با وجود این، تداوم چنین فرهنگی به حضور مستمر مردم در میدان عمل و فراهم‌شدن زمینه نقش‌آفرینی نسل جوان وابسته است. چگونگی تبدیل ارزش‌های بسیجی به رفتارهای روزمره، تقویت سرمایه اجتماعی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی در مدیریت بحران و گسترش فرهنگ ایثار و همیاری، محورهای گفت‌وگوی ما حجت‌الاسلام محمدرضا محمدی، مسئول دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در بسیج سازندگی و مدیر مرکز ترویج و گفتمان جهادی است.



وقتی از بسیج به‌عنوان یک سبک زندگی صحبت می‌کنیم، دقیقاً از چه مفهومی سخن می‌گوییم و چه تفاوتی میان بسیج به‌عنوان یک نهاد و تفکر بسیجی به‌عنوان یک فرهنگ عمومی وجود دارد؟

وقتی از بسیج به‌عنوان یک سبک زندگی صحبت می‌کنیم، منظور صرفاً عضویت در یک نهاد یا حضور در برنامه‌های سازمان‌یافته نیست، بلکه از فرهنگی سخن می‌گوییم که بر مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و احساس تعهد در برابر مسائل جامعه استوار است. این سبک زندگی حول این نکته مهم است که در برابر مسئله‌ای که می‌بینیم، چه سهمی از حل آن بر عهده ما قرار دارد. پشت این نگاه، هم یک مبنای ایمانی وجود دارد و هم یک مسئولیت اجتماعی زیرا خدمت به مردم بخشی از بندگی خدا تلقی می‌شود و فرد نمی‌تواند به بهانه اینکه حل مشکلات وظیفه دیگران است، از مسئولیت خود چشم‌پوشی کند.

مهم‌ترین مؤلفه‌های سبک زندگی بسیجی چیست و چگونه می‌توان ارزش‌ها را از سطح شعار به رفتارهای روزمره در خانواده، محیط کار و جامعه تبدیل کرد؟

سبک زندگی بسیجی بر پایه عشق و ایمان، همت و بصیرت شکل می‌گیرد و زمانی در زندگی فردی و اجتماعی معنا پیدا می‌کند که این ارزش‌ها از باور ذهنی به رفتار عملی تبدیل شوند. عشق، انسان را به سرنوشت جامعه پیوند می‌دهد و ایمان، انگیزه خدمت را در مسیر رضای الهی قرار می‌دهد، درحالی که همت، اراده عبور از دشواری‌ها را تقویت می‌کند و بصیرت مانع هدررفتن توان و انگیزه در مسیرهای نادرست می‌شود. بر همین مبنا، ایثار، اخلاص و مسئولیت‌پذیری باید در تصمیم‌ها و عملکرد روزانه افراد نمود پیدا کنند. برای مثال، اگر تحریم‌ها تأمین یک قطعه حیاتی در صنعت را متوقف کنند، تهیه آن از مسیرهای جایگزین برای جلوگیری از توقف تولید ضروری است، اما نگاه بسیجی به همین اقدام محدود نمی‌ماند و حل ریشه‌ای مشکل را نیز دنبال می‌کند. به این ترتیب، مسئله در اختیار مهندسان، جوانان متخصص و سازندگان داخلی قرار می‌گیرد تا با طراحی، ساخت و آزمون قطعه، توان فنی کشور را افزایش دهند. حاصل این تلاش، فراتر از تأمین یک نیاز صنعتی است زیرا دانش و تجربه‌ای در اختیار مجموعه قرار می‌گیرد که در مواجهه با مشکلات بعدی نیز به کار خواهد آمد. چنین نگاهی در خانواده با تقسیم مسئولیت‌ها، حمایت از اعضای خانواده و ترجیح منافع جمعی بر خواسته‌های شخصی شکل می‌گیرد و در محیط کار با وجدان کاری، امانتداری، حل مسئله و انتقال دانش به دیگران ادامه می‌یابد. در جامعه نیز مشارکت داوطلبانه در حل مشکلات مردم، دستگیری از نیازمندان و بی‌تفاوت نبودن در برابر آسیب‌های اجتماعی، جلوه‌های عملی همین فرهنگ هستند. اخلاص در این مسیر، فرد را از جست‌وجوی نام و منفعت شخصی دور می‌کند و بصیرت، جهت درست خدمت را مشخص می‌سازد. در نهایت، سبک زندگی بسیجی یعنی هر فرد مسئولیت خود را در قبال دیگران و پیشرفت کشور جدی بگیرد و با ایمان، اراده و شناخت، سهم خود را در ساختن آینده ادا کند.

فرهنگ بسیجی چگونه می‌تواند در تقویت روحیه همدلی، نوع‌دوستی، مواسات و مسئولیت‌پذیری اجتماعی نقش داشته باشد و به افزایش اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی منجر شود؟

فرهنگ بسیجی را باید فراتر از یک تشکیلات یا مجموعه‌ای از فعالیت‌های سازمان‌یافته دانست زیرا بسیج پیش از آنکه یک ساختار اجرایی باشد، فرهنگی مبتنی بر احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت جامعه است. در این نگاه، افراد خود را در برابر مسائل و مشکلات دیگران بی‌تفاوت نمی‌دانند و بدون انتظار برای دعوت یا دستور، برای حل مشکلات پیش‌قدم می‌شوند. همین احساس تعلق جمعی، زمینه شکل‌گیری همدلی، نوع‌دوستی و مشارکت اجتماعی را فراهم می‌کند و افراد را به پذیرش مسئولیت در قبال یکدیگر سوق می‌دهد. نمونه عینی این فرهنگ را در حضور خودجوش مردم در مقاطع حساس کشور می‌توان دید. در چندین ماه حضور شبانه مردم، نکته مهم فقط شمار جمعیت یا استمرار حضور نبود، بلکه پیش‌قدم شدن افرادی بود که بدون انتظار برای دعوت رسمی، احساس کردند سرنوشت کشور به آنها نیز مربوط است و باید در دفاع از آن سهمی داشته باشند. چنین حضوری صرفاً محصول یک برنامه تشکیلاتی نیست، بلکه ریشه در باوری دارد که مسئولیت اجتماعی را از سطح وظیفه فردی فراتر می‌برد و به یک تعهد عمومی تبدیل می‌کند. این نگاه را در روایت شکل‌گیری بسیج نیز می‌توان دنبال کرد. آقای شهید در دیدار بسیجیان، تشکیل بسیج در سال ۱۳۵۸ را نمونه‌ای از تبدیل تهدید به فرصت دانسته‌اند. در آن مقطع، با جدی شدن تهدیدهای امریکا، امام خمینی(ره) به جای محدود کردن آمادگی دفاعی به دستگاه‌های رسمی، زمینه حضور و مشارکت مردم را فراهم کردند. به این ترتیب، ظرفیتی که در متن جامعه وجود داشت، برای دفاع از کشور و انقلاب به میدان آمد و مشارکت مردمی به یکی از پشتوانه‌های اصلی امنیت و اقتدار ملی تبدیل شد. همدلی و مواسات نیز از همین احساس تعلق سرچشمه می‌گیرند. همدلی یعنی انسان مشکلات و نگرانی‌های دیگران را جدا از زندگی خود نبیند و مواسات یعنی در تحمل دشواری‌ها و تأمین نیازهای دیگران سهم بپذیرد. این فرهنگ در زندگی روزمره با کمک به خانواده‌های نیازمند، همراهی با آسیب‌دیدگان، مشارکت در فعالیت‌های خیرخواهانه و همکاری برای حل مسائل محله و محیط کار نمود پیدا می‌کند. در چنین الگویی، مسئولیت اجتماعی به وظیفه‌ای همگانی تبدیل می‌شود و افراد برای انجام آن منتظر مطالبه دیگران نمی‌مانند. تداوم این رفتارها به تقویت



وقتی از بسیج به‌عنوان یک سبک زندگی صحبت می‌کنیم، منظور صرفاً عضویت در یک نهاد یا حضور در برنامه‌های سازمان‌یافته نیست، بلکه از فرهنگی سخن می‌گوییم که بر مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و احساس تعهد در برابر مسائل جامعه استوار است. این سبک زندگی حول این نکته مهم است که در برابر مسئله‌ای که می‌بینیم، چه سهمی از حل آن بر عهده ما قرار دارد

اعتماد عمومی نیز کمک می‌کند زیرا مردم در عمل درمی‌یابند که هنگام مواجهه با مشکلات تنها نیستند و دیگران نیز برای عبور از دشواری‌ها مسئولیت می‌پذیرند. هر تجربه موفق از همکاری و حمایت متقابل، اعتماد میان افراد را افزایش می‌دهد و زمینه مشارکت‌های بعدی را فراهم می‌کند. به همین دلیل، سرمایه اجتماعی صرفاً در تعداد افراد حاضر در یک اجتماع خلاصه نمی‌شود، بلکه در پیوندهای پایدار، اعتماد متقابل و اطمینانی ریشه دارد که مردم از توانایی یکدیگر برای همراهی در روزهای دشوار به دست می‌آورند.

بسیج چه ظرفیت‌هایی برای مدیریت بحران‌های طبیعی و اجتماعی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و سازمان‌دهی مشارکت‌های مردمی در محلات دارد؟ تجربه فعالیت‌های بسیج در حوادثی مانند سیل، زلزله و کرونا چه درس‌هایی در این زمینه به همراه داشته است؟

بسیج در مدیریت بحران‌های طبیعی و اجتماعی از دو ظرفیت مکمل برخوردار است که یکی به ساختار و سازماندهی نیروها و دیگری به روحیه مسئولیت‌پذیری و مشارکت مردمی بازمی‌گردد. پایگاه‌های بسیج و شبکه ارتباطی آنها امکان شناسایی نیازها، تقسیم وظایف و هماهنگی میان مردم و دستگاه‌های مسئول را فراهم می‌کنند، در حالی که روحیه بسیجی افراد را به پیش‌قدمی و اقدام برای حل مشکلات ترغیب می‌کند. همراهی این دو ظرفیت باعث می‌شود مشارکت‌های مردمی از اقدامات پراکنده و مقطعی فراتر بروند و در قالب فعالیت‌هایی منسجم و هدفمند ادامه پیدا کنند. آقای شهیدمان ساختار بسیج را از دو امتداد افقی و عمودی قابل بررسی می‌دانند. در امتداد افقی، پایگاه‌های بسیج امکان ارتباط میان اهالی محله، گروه‌های داوطلب، مساجد، مدارس و دستگاه‌های اجرایی را فراهم می‌کنند تا هر مجموعه متناسب با توان و تخصص خود در حل مسائل مشارکت داشته باشد. در امتداد عمودی نیز هیئت‌های اندیشه‌ورز و سازوکارهای هدایت و پشتیبانی عمومی، زمینه انتقال شناخت و تجربه محلی به سطوح تصمیم‌گیری را فراهم می‌کنند و تصمیم‌ها و حمایت‌های لازم را به میدان فعالیت بازمی‌گردانند. چنین ساختاری باید ابتکار عمل مردم را تقویت کند و مانع موازی‌کاری و پراکندگی اقدامات شود. تجربه سیل، زلزله و کرونا هرکدام بخشی از این فرایند را آشکار کرد و نقش بی‌بدیل بسیج مردمی را نشان داد. البته فعالیت داوطلبانه جایگزین تخصص و مسئولیت دستگاه‌های امدادی و اجرایی نیست، بلکه باید در کنار آنها قرار گیرد و توان عملیاتی مجموعه مدیریت بحران را افزایش دهد. درس مشترک این تجربه‌ها آن است که آمادگی پیشینی، شناخت محله، اعتماد میان مردم و هماهنگی نهادی، اثربخشی اقدامات را افزایش می‌دهد. روحیه بسیجی مردم را به دیدن مسئله و آغاز حرکت ترغیب می‌کند و ساختار بسیج این حرکت‌ها را به فعالیتی هماهنگ و مستمر پیوند می‌دهد. حاصل چنین الگویی، محله‌ای است که در برابر بحران صرفاً منتظر دریافت کمک نمی‌ماند، بلکه با اتکا به ظرفیت ساکنان خود به بخشی از توان امدادی و اجتماعی کشور تبدیل می‌شود.

چگونه می‌توان فرهنگ ایثار، فداکاری و همیاری را از فعالیت‌های مقطعی و مناسبتی به یک فرهنگ پایدار در جامعه تبدیل کرد و آن را با نیازها و اقتضائات نسل جوان پیوند داد؟

برنامه‌های مناسبتی می‌توانند نقطه شروع مشارکت جوانان باشند، اما مسئله اصلی این است که پس از پایان هر برنامه، چه مسیری برای ادامه فعالیت پیش روی آنها قرار می‌گیرد. اگر جوان صرفاً برای اجرای کاری دعوت شود که مسئله و راه‌حل آن را دیگران از پیش تعیین کرده‌اند، معمولاً با پایان برنامه نقش او نیز به پایان می‌رسد، اما اگر در شناسایی مسئله، انتخاب راه‌حل و پیشبرد کار سهم داشته باشد، به‌تدریج توانایی آغاز و هدایت یک حرکت جمعی را پیدا می‌کند. بنا به تأکید رهبر شهیدمان مشارکت در فعالیت‌های جهادی نباید به گروه مشخصی از جوانان محدود بماند و هر فرد متناسب با علاقه، تخصص و توانایی خود فرصت حضور و اثرگذاری پیدا کند. گفتمان جهادی زمانی در جامعه ریشه می‌دواند که جوانان بتوانند ارتباط میان توانمندی‌های خود و نیازهای واقعی مردم را پیدا کنند. البته گفتمان‌سازی صرفاً با معرفی فعالیت‌های انجام‌شده یا تبلیغ اقدامات گروه‌های جهادی محقق نمی‌شود. جوان باید بداند چرا یک مسئله اهمیت دارد، چه راهی برای حل آن وجود دارد و سهم او در این مسیر چیست. تعبیر «هر جهادگر، یک گفتمان‌ساز» نیز از همین منظر معنا پیدا می‌کند، زیرا هر فرد فعال، علاوه بر انجام مسئولیت خود، با انتقال تجربه و دعوت دیگران به مشارکت، زمینه گسترش این فرهنگ را فراهم می‌کند. امید نیز زمانی در میان جوانان ماندگار می‌شود که نتیجه تلاش خود و اثر همکاری جمعی را در زندگی مردم مشاهده کنند. برای تداوم این مشارکت، وجود حلقه‌های میانی ضرورت دارد. این حلقه‌ها در سطح محله و متناسب با علاقه و تخصص جوانان شکل می‌گیرند و می‌توانند فعالیت‌هایی در حوزه آموزش، خدمات فنی، رسانه و حل مسائل اجتماعی را دنبال کنند. افراد معتمد و خوش‌نام نیز با شناسایی استعدادها، پشتیبانی و ایجاد ارتباط میان گروه‌ها، به استمرار فعالیت‌ها کمک می‌کنند، بدون آنکه ابتکار عمل را از جوانان بگیرند. در این الگو، مسئولیت بیشتر باید به افرادی سپرده شود که در عمل توانایی و تعهد خود را نشان داده‌اند. تعبیر «هرکه فعال‌تر، مؤثرتر» نیز بر همین منطق استوار است و میدان اثرگذاری را متناسب با میزان مسئولیت‌پذیری افراد گسترش می‌دهد.

نکته

بسیجی‌بودن از خانه آغاز می‌شود

زهرا هنربخش

روز بسیج مستضعفین، فرصتی است برای بازخوانی مفهومی که فراتر از یک عنوان یا مناسبت تقویمی با نوعی نگاه به زندگی اجتماعی و مسئولیت انسان در برابر دیگران گره خورده است. اگر بخواهیم روحیه بسیجی را در زندگی روزمره جست‌وجو کنیم، شاید پیش از هرجای دیگری باید به خانه و خانواده سر بزنیم؛ جایی که نخستین تجربه‌های همدلی، گذشت، همکاری و مسئولیت‌پذیری شکل می‌گیرد. کودکی که در محیط خانواده یاد می‌گیرد در کارهای خانه مشارکت کند، هنگام خستگی یکی از اعضای خانواده به کمک او برود و منافع جمع را در کنار خواسته‌های شخصی خود ببیند، در حقیقت نخستین قدم‌ها را برای زندگی اجتماعی مسئولانه برمی‌دارد.

تربیت فرزند مسئولیت‌پذیر، بیشتر از آنکه به توصیه‌های مستقیم و آموزش‌های کلامی وابسته باشد از رفتار روزمره والدین تأثیر می‌پذیرد. کودکی که می‌بیند پدرومادر در شرایط دشوار کنار یکدیگر می‌ایستند، برای حل مشکلات خانوادگی همکاری می‌کنند و در برابر نیازهای دیگران بی‌تفاوت نیستند، مفهوم همیاری را نه در قالب یک درس اخلاقی، بلکه به‌عنوان بخشی طبیعی از زندگی می‌آموزد. در چنین خانواده‌ای، فداکاری به معنای نادیده گرفتن همیشگی خواسته‌های فردی نیست، بلکه اعضای خانواده یاد می‌گیرند در موقعیت‌های مختلف، گاهی از خواسته خود بگذرند تا آرامش و منفعت جمع حفظ شود. همین تجربه‌های ساده، مانند کمک به خواهر و برادر، مشارکت در خرید خانه، رسیدگی به پدربزرگ و مادربزرگ یا همراهی با یکی از اعضای خانواده در روزهای بیماری، می‌تواند زمینه شکل‌گیری روحیه ایثار و مسئولیت اجتماعی را فراهم کند.

نکته مهم این است که نباید از کودکان انتظار داشت مفاهیمی مانند ایثار و فداکاری را به شکلی بزرگسالانه درک کنند. برای یک کودک، تقسیم کردن اسباب‌بازی با خواهر یا برادر، کمک به جمع کردن وسایل خانه یا همراهی با والدین برای تهیه بسته‌ای از مواد غذایی برای یک خانواده نیازمند، می‌تواند تمرینی ساده اما اثرگذار باشد. حتی بازی‌های گروهی که در آنها موفقیت به همکاری همه اعضا وابسته است، فرصت مناسبی برای آموزش همدلی و کار جمعی به شمار می‌روند. در واقع، اگر قرار است روحیه بسیجی به‌عنوان فرهنگی مبتنی بر خدمت، همیاری و مسئولیت‌پذیری در جامعه استمرار پیدا کند، باید از همین تجربه‌های کوچک خانوادگی آغاز شود.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های خانواده‌های امروز، تربیت فرزند در شرایطی است که بخش قابل توجهی از جهان ذهنی کودکان و نوجوانان در فضای مجازی شکل می‌گیرد. نسل جدید برخلاف نسل‌های گذشته، تنها از طریق خانواده، مدرسه و محیط اطراف خود با جهان ارتباط برقرار نمی‌کند. شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های آنلاین و رسانه‌های دیجیتال، هر روز الگوهای تازه‌ای از زندگی، موفقیت، زیبایی و روابط انسانی را پیش روی او قرار می‌دهند. در چنین شرایطی، انتقال ارزش‌هایی مانند ایثار، مقاومت، فداکاری و مسئولیت اجتماعی نیز نمی‌تواند صرفاً با تکرار توصیه‌های قدیمی و بیان خاطرات گذشته انجام شود. نوجوان امروز نیاز دارد معنای این مفاهیم را در زندگی واقعی خود پیدا کند و ارتباط آنها را با دغدغه‌ها و مسائل روزمره‌اش بفهمد.

برای مثال، وقتی از مقاومت صحبت می‌کنیم، می‌توانیم آن را به توانایی ایستادگی در برابر شکست، تلاش برای رسیدن به هدف و تسلیم‌نشدن در برابر مشکلات تحصیلی و شخصی پیوند بزنیم. وقتی از ایثار سخن می‌گوییم، می‌توانیم به مسئولیت‌پذیری در برابر دوستان، کمک به همکلاسی نیازمند یا حمایت از فردی که در فضای مجازی مورد تمسخر قرار گرفته است، اشاره کنیم. این شیوه از آموزش، ارزش‌ها را از حالت مفاهیم انتزاعی خارج می‌کند و به رفتارهای قابل لمس تبدیل می‌سازد. در چنین فضایی، هویت اجتماعی نوجوان نیز به‌تدریج بر پایه تجربه‌های واقعی شکل می‌گیرد؛ هویتی که به او کمک می‌کند در مواجهه با جریان‌های مختلف فرهنگی و رسانه‌ای، قدرت تشخیص و انتخاب آگاهانه داشته باشد.

یکی دیگر از مسائل مهم در انتقال فرهنگ ایثار و فداکاری، فاصله تجربه‌های نسل‌های مختلف است. بسیاری از پدران‌ومادران امروز، دوران دفاع‌مقدس را از نزدیک تجربه کرده‌اند یا روایت آن را از والدین خود شنیده‌اند؛ اما برای نسل Z و به‌ویژه نسل آلفا، آن دوران بیشتر بخشی از تاریخ معاصر است که در کتاب‌ها، فیلم‌ها و روایت‌های خانوادگی با آن مواجه می‌شوند. طبیعی است که صرف بیان خاطرات گذشته، به‌تنهایی نتواند ارتباط عاطفی و ذهنی عمیقی میان این نسل و ارزش‌های آن دوران ایجاد کند. برای ایجاد چنین پیوندی، باید از ظرفیت روایتگری، مستندسازی، تولید محتوای جذاب و گفت‌وگوی میان‌نسلی استفاده کرد. یکی از فرصت‌های ارزشمند در این زمینه، ارتباط مستقیم نوجوانان با پیشکسوتان دفاع‌مقدس و افرادی است که تجربه فعالیت‌های جهادی و اجتماعی دارند. شنیدن خاطرات از زبان کسانی که آن روزها را زندگی کرده‌اند، می‌تواند تصویر ملموس‌تری از مفهوم فداکاری ارائه دهد. البته این ارتباط زمانی اثربخش‌تر خواهد بود که صرفاً به مراسم رسمی و سخنرانی محدود نشود و فرصتی برای پرسش، گفت‌وگو و تعامل دوطرفه فراهم کند. در کنار آن، باید از ظرفیت‌های جدید رسانه‌ای نیز استفاده کرد. نوجوانی که ساعت‌ها با محتوای تصویری و دیجیتال ارتباط دارد، می‌تواند از طریق مستندهای کوتاه، پادکست، روایت‌های تصویری و حتی بازی‌های آموزشی با مفاهیم تاریخی و اجتماعی آشنا شود. مهم این است که قالب انتقال پیام با نیاز و زبان مخاطب تناسب داشته باشد.

یکی از جلوه‌های مهم تفکر بسیجی، خدمت به دیگران و احساس مسئولیت در برابر جامعه است. با این حال، برای نهادینه شدن چنین فرهنگی نباید خدمت‌رسانی را صرفاً به یک تکلیف اخلاقی یا مذهبی تبدیل کرد. تجربه کمک کردن، زمانی در ذهن و شخصیت فرد ماندگار می‌شود که با احساس رضایت، تعلق و اثرگذاری همراه باشد. خانواده‌ها می‌توانند با تعریف فعالیت‌های مشترک، این تجربه را از دوران کودکی در فرزندان خود تقویت کنند. حضور خانوادگی در برنامه‌های کمک‌رسانی، تهیه بسته‌های حمایتی، مشارکت در فعالیت‌های محیط‌زیستی، کمک به سالمندان محله یا حتی رسیدگی به نیازهای یکی از همسایگان، نمونه‌هایی از فعالیت‌هایی هستند که روحیه مسئولیت اجتماعی را به عنوان یکی از شاخص‌های فرهنگ بسیجی تقویت می‌کنند.

علی محسنلو، پیشکسوت بسیجی و فعال فرهنگی:

فرهنگ بسیجی را با زبان روز به زندگی نسل نو پیوند بزنیم

محبوبه قربانی

ارتباط نسل نو با فرهنگ بسیج، ایثار و شهادت تنها با نامگذاری یک مدرسه به نام شهید یا شنیدن خاطرات دوران دفاع‌مقدس در یک مراسم و یادواره شکل نمی‌گیرد. برای نزدیک‌کردن این فرهنگ به دنیای نوجوانان و جوانان باید روایت زندگی شهدا، فعالیت‌های فرهنگی و تجربه‌های جمعی را به برنامه‌های روزمره آنان وارد کرد. فعالیت‌هایی که به یادآوری گذشته محدود نمانند بلکه فرصتی برای شناخت منش و روحیه بسیجی و پیوند دادن این ارزش‌ها با زندگی نسل جدید فراهم کنند. علی محسنلو، یکی از پیشکسوتان بسیج و فعالان فرهنگی معتقد است، تولید محتوا و گفتمان‌سازی درباره بسیج، ایثار و شهادت باید همواره در دستور کار آموزش‌وپرورش و مدیران مدارس باشد، البته با استفاده از ابزارهای روز و روش‌هایی متناسب با سلیقه نسل جدید. با این پیشکسوت دفاع‌مقدس، درباره راه‌های برقراری این پیوند و نقش فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی در انتقال فرهنگ بسیجی گفت‌وگو کرده‌ایم.



حمیدرضا نیک عهد | جوان

بعضی از نوجوانان و جوانان با شنیدن خاطرات و روایت‌های دفاع‌مقدس ارتباط مؤثری برقرار نمی‌کنند. برای نزدیک کردن این تجربه‌ها به دنیای نسل امروز چه باید کرد؟

برای ترویج فرهنگ بسیجی و روحیه ایثار و شهادت در میان نسل نو، ابتدا باید این فرهنگ و فلسفه آن را به درستی برایشان تبیین کنیم. فرهنگ ایثار و شهادت یکی از ظرفیت‌های دفاعی جامعه در برابر تهدیدهای نظامی و هجمه‌های فرهنگی است و با توجه به گسترش جنگ نرم و تأثیر آن بر جوانان، نوجوانان و کودکان، تقویت این فرهنگ ضرورت دارد. در این میان، آموزش‌وپرورش به عنوان مهم‌ترین نهاد تربیتی، اجتماعی و فرهنگی پس از خانواده، نقش مؤثری در نهادینه‌کردن این ارزش‌ها دارد. یکی از راهکارها، بازنگری در محتوای کتاب‌های درسی و توجه بیشتر به مفاهیم فرهنگ ایثار و شهادت است. همچنین باید با معرفی الگوهای ملی، چهره‌های برجسته ایثارگر و شهدای شاخص دانش‌آموز، این مفاهیم را به دنیای نسل جدید نزدیک کنیم.

اگر قرار باشد نوجوان به جای شنیدن صرف خاطرات پیشکسوتان، خودش در گفت‌وگو با آنها مشارکت کند، چه موضوعاتی می‌تواند این ارتباط را برای دو نسل معنادارتر کند؟

برای ایجاد ارتباط مؤثر میان نسل جوان و پیشکسوتان، باید علاوه بر خاطرات دوران دفاع‌مقدس، سبک زندگی، سیره عملی و ویژگی‌های شخصیتی شهدا و ایثارگران نیز معرفی شود. نوجوانان باید با زندگینامه شهدا و فلسفه ایثار و شهادت آشنا شوند و بدانند چه باورها و ارزش‌هایی در شکل‌گیری رفتار و انتخاب‌های آنها نقش داشته است. در واقع، هدف نباید صرفاً انتقال خاطرات باشد، بلکه باید زمینه شناخت و الگوبرداری از سیره عملی شهدا فراهم شود تا نسل جدید بتواند ارتباط عمیق‌تری با این تجربه‌ها برقرار کند.

چه تفاوتی باید میان شیوه روایت ایثار و دفاع‌مقدس برای نوجوان امروز با شیوه‌های گذشته وجود داشته باشد؟ چه قالب‌هایی برای نسل Z و Alpha جذاب‌تر است؟

با توجه به شتاب روزافزون فناوری، رسانه‌های دیجیتال و ابزارهای هوش‌مصنوعی، استفاده از روش‌های منسوخ و تکراری دیگر نمی‌تواند توجه نسل جوان، به ویژه دانش‌آموزان را جلب کند. برای انتقال مفاهیم معنوی فرهنگ جهاد و شهادت و ارزش‌های دفاع‌مقدس، باید از رویکردی نوین، جوان‌پسند و جذاب استفاده کنیم. در این مسیر، بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌های روز، فضای مجازی، ابزارهای ارتباطی و زبان هنر اهمیت زیادی دارد. همچنین باید با هم‌اندیشی و هم افزایی فعالان این حوزه، روش‌های مناسب برای معرفی الگوهای ملی و قهرمانان ایثارگر انتخاب و اجرا شود.

چگونه می‌توان مفاهیمی مانند ایثار، مقاومت و مسئولیت‌پذیری را به مسائل ملموس زندگی نوجوانان امروز پیوند زد؟

یکی از راه‌های این کار، معرفی سبک زندگی شهدا به‌عنوان الگویی برای زندگی امروز است. نوجوان باید با سیره عملی شهدا آشنا شود و بداند این ارزش‌ها صرفاً مربوط به دوران جنگ نیستند بلکه می‌توانند در زندگی و رفتار امروز نیز راهگشا باشند. باید پیش از آنکه الگوهای دیگر بر ذهن جوانان و نوجوانان تأثیر بگذارند، سبک زندگی شهدا بیش از پیش به آنها معرفی شود تا دانش‌آموزان با شناخت این الگوها، در برابر هجمه‌های فرهنگی آمادگی بیشتری پیدا کنند. در واقع، مطالعه و ترویج سبک زندگی شهدا باید به بخشی از برنامه‌های فرهنگی و تربیتی مدارس تبدیل شود.

بسیج چگونه می‌تواند از ظرفیت‌های خود برای ایجاد فرصت‌های عملی و مهارت‌آموزی اجتماعی نوجوانان استفاده کند؟

آموزش‌وپرورش و سازمان بسیج دانش‌آموزی و دانشجویی در زمینه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت مسئولیت مهمی دارند. این مجموعه‌ها باید با استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی و آموزشی خود، زمینه آشنایی نوجوانان با فرهنگ جهاد و شهادت و الگوهای ملی را فراهم کنند. در این مسیر، استفاده از رسانه‌های روز، زبان هنر، کتاب و فعالیت‌های گروهی اهمیت دارد. برای مثال، برگزاری مسابقات کتابخوانی با محوریت آثار ادبی دفاع‌مقدس و ترغیب دانش‌آموزان به مطالعه گروهی می‌تواند به افزایش آگاهی و شناخت آنها کمک کند و فرهنگ و تفکر بسیج را در میان نسل جوان زنده نگه دارد. تولید محتوا و گفتمان‌سازی درباره ایثار و شهادت باید به صورت مستمر در دستور کار آموزش‌وپرورش و مدیران مدارس قرار داشته باشد.